

تفسير احمد

سوره الشرح



Ketabton.com

۱۳۹۴

ترجمه و تفسير سوره الشرح
تتبع و نگارش: الحاج امين الدين « سعيدى - سعيد افغانى »
مهتم و ديزاين: الحاج سليم عابد « پيمان »

سوره الشرح

سوره الشرح

این سوره در « مکه » نازل شده و دارای 8 آیه است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَمْ نَشْرَحُ لَكَ صَدْرَكَ ﴿١﴾ وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ ﴿٢﴾ الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ ﴿٣﴾ وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ ﴿٤﴾ فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ﴿٥﴾ إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ﴿٦﴾ فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ ﴿٧﴾ وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ ﴿٨﴾

معلومات موجز:

(سوره الشرح) مکی، و دارای (1) رکوع، (8) هشت آیت، (27) بیست و هفت کلمه، (102) یکصد و دو حرف، و (37) سی و هفت نقطه است. از متن و محتوی این سوره وهم آهنگی اش با سوره « الضحی » بو ضاحت معلوم می شود که هر دو در شرایط یکسان و یکی پی دیگر، نخست « الضحی » و سپس « الشرح » نازل شده .

سوره « الضحی » را چنان می یابیم که پیامبر صلی الله علیه وسلم در محاصره مشکلات شدید است، فشارها، تهدیدها و مشکلات چون پرده تاریک شب بر او سایه افکنده. در سوره الضحی به او اطمینان داده می شود که پرده تاریک این شب ظلمانی دریده خواهد شد، فجر آینده روشن طلوع خواهد کرد و به آینده بهتری نائل خواهی آمد. در سوره « الشرح » می خوانیم که « بار کمر شکن » از دوشش برداشته شده، « الشرح صدر » نائل گردیده، کارش رونق یافته و شهرتش بالا رفته، برخی از دشواری ها و مشکلات رفع شده و از ناحیه حل حتمی دشواری ها باقی مانده به او اطمینان داده می شود.

اسباب نزول:

وقتی که مشرکان به دلیل فقر و تهیدستی مسلمانان را مورد سرزنش قرار دادند، این سوره نازل شد .

ابن جریر از حسن (رض) روایت کرده است: هنگامی که پروردگامتعال آیه « إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا » را نازل کرد، رسول الله گفت: شاد باشد که آرامش و راحت نصیب شما شد و هر گز یک سختی و بیچارگی نمی تواند دو راحتی و آسایش را مغلوب کند.

آشنایی با سوره اشراح:

مفسرین در این مورد همه متفق القول اند که: این سوره بعد از سوره « والضحی » نازل شده و محتوای آن نیز همین مطلب را تأیید می کند. در این سوره قسمتی از مواهب الهی بر پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم شمرده شده است و در واقع سه نوع موهبت بزرگ در سوره والضحی آمده و سه موهبت بزرگ الهی در سوره اشراح آمده است. مواهب سه گانه این سوره همه جنبه معنوی دارد و بر سه محور دور می خورد.

سوره الشراح

يكي بيان همين نعمتهاي سه گانه و ديگر بشارت به پيامبر صلى الله عليه وسلم ، از نظر برطرف شدن مشكلات دعوت او در آینده و ديگر توجه به خداوند يگانه و تحريص و ترغيب به عبادت و نيابيش. مجموع اين سوره بيانگر عنايت خاص الهي به پيامبر گرامي اسلام صلى الله عليه وسلم و تسلي او در برابر مشكلات و وعده نصرت و تأييد او در برابر مشكلات و فراز و نشيبهاي راه رسالت است.

اگر كسي حالات پيامبر صلى الله عليه وسلم را دقيقاً مطالعه كند و ميزان شرح صدر او را در حوادث سخت و پيچيده دوران زندگي اش بنگرد يقين مي كند كه اين از طريق عادي ممكن نيست، بلكه يك تأييد الهي و رباني است.

بخاطر همين شرح صدر بود كه پيامبر صلى الله عليه وسلم به عاليترين وجهي مشكلات رسالت را پشت سر گذاشت و وظائف خود را در اين راه به خوبي انجام داد. در سوره انشراح لحن آيات آميخته با لطف و محبت فوق العاده پروردگار و تسلي و دلداري به نبي اكرم صلى الله عليه وسلم است .

در اين سوره از پيامبر صلى الله عليه وسلم مي خواهد كه با توجه به اين آثار درخشان، هيچ گاه از تلاش در راه خدا باز نايستد و هنگامي كه كاري را به اتمام رساند، كار بزرگتر و سختتري را شروع كند تا از آثار آن نيز بهره مند شود.

ترجمه مختصر:

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام الله بخشنده مهربان

«أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ» (1) «آيا فراخ نساختم براي ت سینه ات را؟».

«وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ» (2) «و بار سنگين تو را از (دوش) تو برنگرفتيم؟».

«الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ» (3) «همان باري كه پشت تو را سنگين کرده است؟».

«وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ» (4) «و بلندی بخشيديم يا د و ذكرت را؟».

«فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» (5) «پس بي گمان در کنار دشواري آساني است».

«إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» (6) «به يقين در کنار دشواري آساني است».

«فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ» (7) «پس هنگامي كه (در كار و بارت) فراغت يافتی، بكوش».

«وَإِلَى رَبِّكَ فَارْغَبْ» (8) «و بهسوی پروردگارت روی آر».

تفسیر مختصر سوره :

«أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ»

(آيا ما سینه تو را نگشوديم) و دلّت را از بند غم حيرت رها نساختم ، و تاب تحمل نابسامانيهاي محيط جاهليت و سختيهاي مسؤوليّت بزرگ نبوت را به تو عطاء نكرديم ؟).

مفسرين در توضيح « أَلَمْ نَشْرَحْ . . . » می فرمايد :

شرح صدر . كنايه از : سعه صدر ، رهائي از غم و اندوه حيرت و ضلال پيش از نبوت ، تاب تحمل مشكلات مسؤوليّت نبوت و رهبري ، صبر و حوصله در برابر ناملايمات محيط و در دسر هاي كفار و مشركان و ديگران است (ملاحظه فرمايدسوره انعام / 125 ، سوره

سوره الشراح

زمر / 22 ، سوره طه / 25 ، سوره نحل / 106) .

خواننده محترم!

اگر توجه فرموده باشید: در آیه « أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ » (ما تو را مشمول انواع نعمتها ساختیم!) پروردگار با عظمت ما با یک لحن آیات آمیخته با لطف و محبت فوق العاده و تسلی به پیامبر صلی الله علیه وسلم صحبت و خطاب فرموده است: «آیا ما سینه تو را گشاده نساختم».

منظور از « شرح صدر» در اینجا گسترش روح و فکر پیامبر به وسیله نور الهی و سکینه و آرامش خداداد می باشد، این توسعه می تواند مفهوم وسیعی داشته باشد که هم وسعت علمی پیامبر را از طریق وحی و رسالت شامل گردد و هم بسط و گسترش تحمل و استقامت او در برابر لجاجتها و کارشکنیهای دشمنان و مخالفان. پیامبر صلی الله علیه وسلم الگوی کامل برای زندگی فردی و اجتماعی ما انسانها است؛ چراغ هدایتی است که جهان بشریت را روشنی بخشیده و با سیره و سخنان سنت‌های زیبا را پایه‌گذاری کرده و برنامه جامع سیر از خاک تا افلاک و از دنیا تا آخرت را ارائه فرموده است. از این روست که سیره و سخنان گهربار آن شخصیت بی‌بدیل توجهی ویژه می‌طلبد. یکی از سیره‌های پراهمیت آن حضرت شرح صدر است؛ سیره‌ای که خداوند در قرآن از آن با عظمت یاد می‌کند و آن را یکی از منت‌های بزرگ خویش بر می‌شمارد. شرح صدر و گشادگی سینه پیامبر اسلام است که بار سنگین رسالت بر حضرتش قابل تحمل بود، بار سنگینی که پشت انسان را خم می‌کند.

همین شرح صدر است که او را در برابر همه ناملايمات سربلند و پیروز می‌گرداند و خداوند آوازه‌اش را بلند می‌سازد. بهترین وسیله برای پیمودن راه حق و کمال، فراخی سینه و شرح صدر است. هرچه سینه فراختر باشد پرواز بلندتر است. سعه و گستردگی قلب و روح حبیب خدا تا آنجاست که بر ماسوای خداوند احاطه دارد و همه عالم ریزه‌خوار سفره نور و احسان آن رحمة للعالمین‌اند. هر چند قلم و بیان عاجز از درک روح بلند الهی آن بزرگوار است.

در تفسیر (آیه 125 سوره انعام) مفسر انوار القرآن می نویسد:

«فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرَّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ»

«پس هر که را که خدا بخواهد هدایت کند، سینه وی را برای اسلام گشاده می‌کند» یعنی: دلش را باز و گشاده می‌کند تا اسلام را با سینه باز و منشرح بپذیرد.

در حدیث شریف به روایت عبدالرزاق، ابن جریر طبری و غیر ایشان آمده است: اصحاب از رسول خدا صلی الله علیه وسلم راجع به این آیه پرسیدند؛ یا رسول الله! چگونه سینه انسان راه‌یافته گشاده می‌شود؟ رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمودند: «نور یقذف فیهِ، فینشرح له ویفسح: نوری است که در او افکنده می‌شود پس سینه‌اش از آن نور، باز و گشاده می‌شود». گفتند: آیا برای این گشادگی و انشراح، نشانه‌ای هم هست که با آن شناخته شود؟ فرمودند: «الإنابة إلى دار الخلود، والتجافی عن دار الغرور، والاستعداد للموت قبل»

سوره الشراح

لقاء الموت: آری! نشانه آن رجوع بهسوی سرای جاودانگی، دل برکندن از سرای غرور و قرار و آرام نگرفتن در آن، و آمادگی برای مرگ قبل از روبروشدن با آن است». همچنین در حدیث شریف آمده است که از رسول خدا صلی الله علیه وسلم سؤال شد: از مؤمنان چه کسی هشیارتر و زیرکتر است؟ فرمودند: «بیشترین آنان در یادآوری از مرگ و بیشترین آنان در آمادگی برای بعد از مرگ». «و هر کس را که» خداوند «بخواهد گمراه کند، سینه‌اش را تنگ می‌گرداند در نهایت تنگی» بهطوری که در آن هیچ جایی برای ایمان و هدایت نباشد. ابن‌کثیر می‌گوید: «یعنی سینه‌اش را برای پذیرش (لا اله الا الله) تنگ می‌گرداند تا بدانجا که این کلمه طیبه به آن وارد نمی‌شود». زجاج می‌گوید: «حرج، نهایت تنگی است». «چنان‌که گویی بهزحمت در آسمان بالا می‌رود» زیرا کسی که به آسمان بالا رود، به دلیل فشار هوا و کمبود اکسیژن، سخت احساس سینه‌تنگی می‌کند، گویی نزدیک است که خفه شود.

گفتنی است که با اکتشافات جدید علمی، روشن شده که این تشبیه از معجزات قرآن کریم می‌باشد زیرا حقیقت علمی‌ای که این آیه به بیان آن پرداخته، در عصر نزول قرآن کریم شناخته شده نبود. آری! این آیه، حال معنوی کسی را که بهسوی اسلام فراخوانده می‌شود - درحالی‌که برای وی گمراهی مقدر شده است - به حالت حسی کسی تشبیه می‌کند که از بالا رفتن به سوی آسمان سخت احساس سینه‌تنگی می‌کند، گویی می‌خواهد خفقان بگیرد و این معنی که صعود به بالا سبب نفس تنگی می‌شود در روزگار نزول قرآن کریم شناخته شده نبود.

و علامه عبدالرحمن سعدی رحمه الله در تفسیر خود می‌نویسد:

«خداوند متعال در حالی که علایم و نشانه‌های خوشبختی و هدایت، و بدبختی و گمراهی را برای بندگانش بیان می‌دارد، می‌فرماید: هرکس سینه‌اش را برای پذیرش اسلام گشاد شد، یعنی سینه و درونش وسیع و باز شد، و به نور ایمان روشن گردید و با روشنایی یقین زنده گشت و آرامش یافت؛ خوبی را دوست داشت، و انجام دادن خیر و نیکی را زیبا یافت و از آن لذت برد و آن را دشوار ندانست، همانا این نشانه آن است که خداوند او را هدایت کرده و توفیق در پیش گرفتن درست‌ترین راه را به او ارزانی نموده است. و علامت کسی که خداوند می‌خواهد او را گمراه سازد این است که سینه‌اش را تنگ می‌گرداند. یعنی آن را در نهایت تنگی قرار می‌دهد، به گونه‌ای که در آن جایی برای ایمان و یقین یافت نمی‌شود، و در شبها و شهوات فرو رفته، و خیری به او نمی‌رسد. و قلبش برای انجام کار خیر باز نمی‌گردد، و سینه‌اش آنگونه به تنگی و تپش می‌افتد که گویا به آسمانها بالا می‌رود، و به زور او را به این کار وادار می‌کنند، اما راهی برای رفتن به آسمان نمی‌یابد. و این بدان سبب است که آنها ایمان ندارند. پس این امر باعث شده است که خداوند پلیدی و عذاب را بر آنها قرار دهد؛ چون آنها دروازه رحمت و نیکوکاری را به روی خود بسته اند. و این ترازویی است که در آن ظلم و ستمی وجود ندارد، و راهی است که تغییر نمی‌کند. پس همانا هرکس ببخشد، و بدهد، و از خدا بترسد، و پرهیزگاری نماید، و آیین نیک را تصدیق کند، به زودی راه آسانی را در پیش پای او می‌گذاریم و آن را برایش آسان می‌

سوره الشراح

گردانیم. و هرکس بخل ورزد، و خود را از خدا بی نیاز بداند، و آیین نیک را تکذیب کند، به زودی راه سختی را به او خواهیم نمود.

« **وَوَضَعْنَا عَنْكَ وِزْرَكَ** »

«و بار سنگین تو را از (دوش) تو برنگزفتم؟».

مفسرین در تفسیر کلمه « **وَضَعْنَا** » می نویسند : فرو آوردیم . پائین آوردیم . « **وزر** » در لغت به معنی سنگینی است ، کلمه (وزیر) نیز از همین معنی مشتق شده است ، چون بارهای سنگین حکومت را بر دوش می کشد، و گناهان را نیز به همین جهت وزر گویند چرا که بار سنگینی است بر دوش گنهگار. بعضی از مفسرین (وزر) را به معنی بار سنگین (وحی) در آغاز نزول ، تفسیر کرده اند.

بعضی نیز به ضلالت و گمراهی و لجاج و عناد مشرکان.

و بعضی به اذیت و آزار فوق العاده آنها.

و بعضی به اندوه ناشی از وفات کاکای ابو طالب و همسرش خدیجه و بالاخره بعضی به مسأله عصمت و پاکی از گناه تفسیر کرده اند.

ولی ظاهراً همان تفسیر اول است .

هدف از آن بار کمر شکن غم و رنج حاصل از مشاهده کفر و شرک و تبهکاریها و خونریزیها و ستمگریها و نابسامانیهای جامعه پیش از نبوت ، و تلاش و کوشش آن حضرت برای هدایت مردمان و دفع اذیت و آزار ایشان در آغاز نبوت است .
قرائن آیات به خوبی نشان می دهد که منظور همان مشکلات رسالت و نبوت ، و دعوت به سوی توحید و یکتاپرستی ، و برچیدن آثار فساد از آن محیط بسیار آلوده بوده است ، نه تنها پیامبر صلی الله علیه و سلم که همه پیغمبران در آغاز دعوت باچنین مشکلات عظیمی روبرو بودند، و تنها باامدادهای الهی بر آنها پیروز می شدند، منتها شرائط محیط و زمان پیامبر صلی الله علیه و سلم از جهاتی سخت تر و سنگینتر بود.

« **الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ** »

همان بار سنگینی که پشت تو را در هم شکسته بود؟

« **أَنْقَضَ** » : سنگینی کرده بود . گرانبار ساخته بود . مجازاً شکستن پشت معنی می دهد .

پروردگار با عظمت ما به ذکر موهبت دیگری از مواهب عظیم خود به پیامبر صلی الله علیه و سلم پرداخته می افزاید : آیا ما بار سنگین را از تو برداشتیم؟! همان باری که سخت بر پشت تو سنگینی می کرد (الذی انقض ظهرك).

(انقض) از ماده (نقض) به معنی گشودن گره طناب ، یا جدا کردن قسمتهای به هم

فشرده ساختمان است ، و (انتقاض) به صدائی گفته می شود که به هنگام جدا شدن

قطعات یک تعمیر از یکدیگر بگوش می رسد، و یا صدای مهره های کمر به هنگامی که زیر بار سنگینی قرار می گیرد.

این کلمه در مورد شکستن پیمانها و قراردادهای نیز به کار می رود و می گویند فلان

کس نقض عهد کرد.

سوره الشراح

به این ترتیب آیه فوق می گوید: خداوند آن بار سنگین و کمر شکن را از تو برداشت. این کدام بار بود که خداوند از پشت پیامبرش برداشت؟ قرائن آیات به خوبی نشان می دهد که منظور همان مشکلات رسالت و نبوت، و دعوت به سوی توحید و یکتاپرستی، و برچیدن آثار فساد از آن محیط بسیار آلوده بوده است، نه تنها پیامبر صلی الله علیه وسلم، که همه پیامبران در آغاز دعوت با چنین مشکلات عظیمی روبرو بودند، و تنها با امدادهای الهی بر آنها پیروز می شدند، منتها شرائط محیط و زمان پیامبر صلی الله علیه وسلم از جهاتی سخت تر و سنگین تر بود.

«وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ»

و آوازه تو را بلند نکردیم و بالا نبردیم؟

«ذِكْرٌ»: آوازه. نام نیک. حسن شهرت. رفع ذکر آن حضرت صلی الله علیه وسلم اینست که در تمام شعایر اسلامی همراه با نام پروردگار با عظمت نام مبارک آنحضرت صلی الله علیه وسلم گرفته میشود، بر همه مناره ها و منبر های جهان همراه با «أشهد أن لا اله الا الله، دشهدأن محمد رسول الله» گفته می شود، و هیچ انسان عاقلی اگرچه مسلمانی نباشد نام مبارک او را بدون احترام بر زبان نمی آورد.

«فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا»

چرا که همراه با سختی و دشواری، آسایش و آسودگی است.

«فَإِنَّ...»: بیان علت و سبب مطالب پیش است. «الْعُسْرِ»: سختی. دشواری (برای توضیح بیشتر به سوره: بقره / 185، سوره طلاق / 7، سوره کهف / 73) مراجعه فرماید.

«يُسْرًا»: آسایش. آسودگی.

«إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا»

مسئلاً با سختی و دشواری، آسایش و آسودگی است.

«إِنَّ مَعَ...»: تکرار آیه، برای تحکیم مطلب پیشین و تأکید این سنت خدائی در همه ادوار است.

مفسرین در تفسیر این آیه متبرکه می نویسند: «فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا (5) إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا (6)» این مژده بزرگی است که هرگاه سختی و دشواری در میان آید آسانی همراه آن خواهد بود، حتی اگر سختی و دشواری در سوراخ سوسماری برود آسانی بر آن وارد می شود و آن را بیرون می آورد. همان طور که خداوند متعال می فرماید: «سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا» (سوره الطلاق: 7). «خداوند بعد از سختی، آسانی خواهد آورد». و همانطور که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «فرج به همراه سختی و اندوه است و آسانی با سختی همراه است».

و معرفه آمدن کلمه «عسر» در هر دو آیه بر این دلالت می کند که سختی و دشواری یکی است و نکره بودن کلمه «یسر» نشانگر آن است که آسانی تکرار خواهد شد. و معرفه بودن کلمه «العسر» که الف و لام آن بر استغراق و عموم می باشد دال بر این است که سختی و دشواری هر چند شدت یابد در آخر آسان خواهد شد و آسانی با آن همراه خواهد

سوره الشراح

بود. سپس پیامبرش را به صورت مخاطب اصلي و مومنان را به تبع او دستور داد تا خدا را سپاس گذارند و وظیفه خود را در برابر عظمت او انجام دهند و فرمود: **فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ** وقتی از کارهایت فراغت یافتی و در دل تو چیزی که آن را دچار مشکل نماید باقی نماند در دعا و عبادت بکوش.

«فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ»

هرگاه (از کار مهمی) بپرداختی، به دنبال آن (به کار مهم دیگری بپرداز و در آن بکوش و) رنج ببر (و فرجام کاری را آغاز کار دیگری کن).
«فَرَغْتَ» : فراغت یافتی. تمام شدی و بیکار ماندی. **«انصَبْ»** : رنج ببر. مؤمن باید انسان متحرک و پویایی باشد و پس از فراغت از وظیفه‌ای، آماده کوشیدن و سختی کشیدن در وظیفه دیگری باشد. چون: ما زنده به آنیم که آرام نگیریم.

«وَالِی رَبِّكَ فَارْغَبْ»

و یکسره به سوی پروردگارت روی آر (و تنها بدو دل و امید ببند، و جز به او خود را مشغول مساز).

یعنی هر گاه شما از یک زحمت دعوت حق و تبلیغ احکام، فارغ شدید، برای زحمت دیگری آماده باشید، و آن این که به نماز، ذکر الله، دعا و استغفار بپردازید.

«وَالِی رَبِّكَ فَارْغَبْ» و برای اجابت دعای خود فقط به پروردگارت روی بیاور و از کسانی مباش که وقتی کار و بارشان تمام می‌شود به بازی و سرگرمی مشغول می‌شوند و از پروردگار خود و از ذکر او اعراض می‌کنند. و اگر چنین کنی آنگاه از زیان کاران خواهی بود. و گفته شده معنی آیه چنین است: هرگاه از نماز فارغ شدی و آن را کامل نمودی در دعا بکوش و در خواستن نیازهایت به‌او روی بیاورد. و کسی که چنین گفته بر مشروعیت دعا و ذکر بعد از نمازهای فرض استدلال کرده است.

مفهوم توصیه به صبر در اسلام:

پروردگار با عظمت ما می‌فرماید:

«وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (سوره انفال: 46) (و صبر و استقامت کنید که خداوند با استقامت‌کنندگان است!)

همچنان در جایی دیگر می‌فرماید: **«إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ»** (سوره یوسف: 90) (هر کس تقوا پیشه کند، و شکیبایی و استقامت نماید، (سرانجام پیروز می‌شود) چرا که خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کند!)

وباز هم در (آیه 10 سوره زمر) می‌فرماید: **«إِنَّمَا يُوفَى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ**

حِسَابٍ» (صابران اجر و پاداش خود را بی‌حساب دریافت می‌دارند!)

«فَاصْبِرْ إِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ» (سوره هود: 49) (بنابراین، صبر و استقامت کن، که عاقبت از آن پرهیزگاران است!)

پس شما را بر صبر نمودن توصیه می‌کنیم که ان شاءالله مشکلات بزودی حل خواهند شد چرا که برآستی پس از سختی آسانی در راه است: **«إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا»** سوره انشراح 6. یعنی: آری با دشواری آسانی است.

سوره الشراح

مفهوم «ان مع العسر يسرا»:

بسیاری از کسانی می پرسند که با توجه به این آیه چرا بعضی مسلمانها تا آخر عمرشان سختی میبینند؟ همیشه مصیبت ها دنبال هم می آیند در زندگی شان؟؟ (بدون اینکه آسانی بیاید!) حتی تا آخر عمرشان در عذابند؟ حتی آنهایی که بیشتر از همه طاعات و عبادات میکنند!؟

در جواب باید گفت:

چون خدای متعال بر آنها منت گذاشته و با این بهانه بسیاری از گناهانشان را پاک می کند، زیرا مصائب و سختیها و بلاها، کفاره گناهان هستند، و خوشا بحال آنکسانی که در بلا و مصیبت صبوری پیشه می کنند چرا که همین سختیها و ناخوشیها اگر با صبوری تحمل شوند خود موجب کفاره گناهانشان می شود، و شاید این لطف و رحمت الهی (تحمل و صبوری در برابر مشکلات) نصیب هر کسی نشود.

ابوهریره رضی الله عنه می گوید: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ يُرِدِ اللَّهُ بِهِ خَيْرًا، يُصِبْ مِنْهُ». (بخاری: 5645) یعنی: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «خداوند به هرکس که اراده خیر داشته باشد، او را گرفتار بلا می سازد».

و خدای متعال در مورد کسانی که صبور هستند می فرماید: «إِنَّمَا يُؤَفِّي الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ» (سوره الزمر: 10) یعنی: بی تردید شکیبایان پاداش خود را بی حساب [و] به تمام خواهند یافت.

و باز ابوهریره رضی الله عنه روایت می کند: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَثَلُ الْمُؤْمِنِ كَمَثَلِ الْخَامَةِ مِنَ الزَّرْعِ، مِنْ حَيْثُ أَتَتْهَا الرَّيْحُ كَفَأَتْهَا، فَإِذَا اعْتَدَلَتْ، تَكَفَأَ بِالْبَلَاءِ، وَالْفَاجِرُ كَالْأَرْزَةِ، صَمَاءٌ مُعْتَدِلَةٌ، حَتَّى يَقْصِمَهَا اللَّهُ إِذَا شَاءَ». (بخاری: 5644).

یعنی: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «مثال مؤمن، مانند ساقه گیاهی است که از هر طرف، بادی به سراغ اش می آید و او را کج می کند. و هنگامی که باد، آرام می گیرد، راست می شود. (همیشه در بلا و مصیبت بسر می برد و این مصیبت ها باعث کفاره گناهان اش می گردند). اما فرد فاجر، مانند درخت کاج، سخت و استوار است تا اینکه مرگ اش فرا می رسد و خداوند او را نابود می گرداند». (یعنی کمتر دچار گرفتاری می شود).

و ابوسعید خدری و ابوهریره رضی الله عنهما می گویند: «مَا يُصِيبُ الْمُسْلِمَ مِنْ نَصَبٍ وَلَا وَصَبٍ، وَلَا هَمٍّ وَلَا حُزْنٍ، وَلَا أَدَى وَلَا غَمٍّ، حَتَّى الشُّوْكَةِ يُشَاكُّهَا، إِلَّا كَفَّرَ اللَّهُ بِهَا مِنْ خَطَايَاهُ». (بخاری: 5642).

یعنی: نبی اکرم صلی الله علیه وسلم فرمود: «مسلمان، دچار هیچگونه خستگی، بیماری، نگرانی، ناراحتی، گرفتاری و غمی نمی شود مگر اینکه خداوند به وسیله آنها، گناهانش را می بخشد. حتی خاری که به پایش می خورد» (باعث کفاره گناهانش می شود).

و در حدیث صحیح از پیامبر صلی الله علیه وسلم آمده که فرمودند: «الدنيا سجن المؤمن وجنة الكافر» مسلم (2956). یعنی: دنیا زندان مؤمن و بهشت کافر است.

سوره الشراح

و پیامبر صلی الله علیه و سلم در مورد صبر و شکر بنده مؤمن فرموده است: «عجبا لأمر المؤمن إن أمره كله خير، وليس ذاك لأحد إلا للمؤمن؛ إن أصابته سرّاء شكر؛ فكان خيراً له، وإن أصابته ضراء صبر؛ فكان خيراً له» (روایت مسلم)

یعنی: چه عجیب است امر مؤمن، همه امورش برایش خیر است، و این برای کسی نیست مگر برای مؤمن، اگر نعمت به وی برسد شکر میکند، و این شکر کردن برایش خیر است، و اگر مصیبت به وی برسد صبر میکند، و این صبر کردن برایش خیر است.

و پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «حفت الجنة بالمكاره وحفت النار بالشهوات». مسلم (2822) و ترمذی (2559). یعنی: بهشت با سختیها پوشیده و جهنم نیز با شهوات پوشیده شده است.

بنابراین هرگاه بنده ی مومن متقی در بلا و مصیبتی قرار گرفت، باید آنرا به نعمت تبدیل کند! چگونه؟ با صبوری و سپاسگذاری کردن و راضی شدن به تقدیر الهی و توکل کردن به او در دفع آن سختی.. تا بدین ترتیب آنرا کفاره ی گناهانش کند.

در ضمن اینگونه هم که شما تصور می کنید نیست؟! چرا که هر کسی در زندگی خود هم خوشی داشته و هم ناخوشی، و شاید در این میان بعضی از مومنان بیشتر در سختی ها باشند، که گاهی آن سختیها نتیجه اعمال و کارهای خودشان است چنانکه الله تعالی می فرماید: «وَمَا أَصَابَكُمْ مِّنْ مُّصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَن كَثِيرٍ» (شوری 30). یعنی: اگر شما را مصیبتی رسد، به خاطر کارهایی است که می کنید و خدا بسیاری از گناهان را عفو می کند.

و گاهی خدای متعال بنا به حکمت خویش وی را می آزماید، چنانکه می فرماید: «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِيرِ الصَّابِرِينَ * الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُّصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ * أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ» (سوره بقره 155). یعنی: قطعاً همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی، و کاهش در مالها و جانها و میوهها، آزمایش می کنیم؛ و بشارت ده به استقامت کنندگان، آن کسانی که چون مصیبتی به آنها برسد گویند: «ما از آن خدا هستیم و به سوی او باز می گردیم» آنان درود و رحمت خدا شامل حالشان است و ایشان هدایت شوندگان هستند.

خداوند متعال خبر داده است که حتماً بندگان را به مشکلاتی گرفتار می نماید و با مصایبی می آزماید (از قبیل آفت های آسمانی، غرق شدن، ضایع شدن، و اموالی که پادشاهان ستمگر و راهزنان با زور و فشار می ستانند. اما به هر حال اینگونه نیست که کل عمرش در سختی و عذاب باشد! و این تصور صحیح نیست و ما آنرا نمی پذیریم.

هدف از شق صدر رسول الله:

هدف از شق الصدر برای رسول گرامی اسلام محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم چه بوده است؟

اولاً حادثه «شق الصدر» یعنی: «شکافتن سینه» پیامبر صلی الله علیه و سلم، هنگامی رخ داد که در قبیله بنی سعد برای رضاعت نزد حلیمه سعدیه بود تا اینکه بنا به گزارش

سوره الشراح

ابن اسحاق چند ماه بعد، و یا بنا به نظر محققان در سن چهار سالگی ماجرای شکافته شدن سینه‌اش پیش آمد. مسلم از انس روایت کرده است که جبریل علیه السلام نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمد، در حالی که با پسر بچه‌های دیگر بازی می‌کرد. او را از جای برگرفت و بر زمین خواباند و سینه او را بر شکافت و قلب او را خارج ساخت، و از درون آن، لخته خونی را بیرون کشید و گفت: این است بهره شیطان از تو! آنگاه دل او را در طشتی زرین با آب زمزم شستشو داد؛ و سپس و به جای نخستینش بازگردانید و سینه اش را دوخت. پسر بچه‌ها نزد مادرش یعنی دایه‌اش شتافتند و گفتند: محمد را کشتند! همگی در پی یافتن او شتافتند. وقتی او را یافتند، رنگ رخساره‌اش دگرگون شده بود. انس گوید: من جای آن دوخت و دوز جبرئیل را روی سینه پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌دیدم (صحیح مسلم، کتاب الایمان، باب الاسراء، جلد 1، صفحه 147، ح 261).

حلیمه سعدیه پس از این واقعه ترسید و او را به مادرش بازگردانید. و حادثه شکافتن سینه پیامبر صلی الله علیه وسلم سه بار در حیاتش رخ داده است. 1- هنگام کودکی همانطور که بیان شد و این روایت در صحیح مسلم آمده است، و حکمتش همان بود که آن دو ملائکه بیان کردند و گفتند: «این است بهره شیطان از تو»، و یک لخته خونی را از قلبش جدا کردند.

2- قبل از بعثت، و حکمتش این بود که با قلب کاملتر و قویتری وحی را استقبال کند. حافظ ابن حجر در کتابش «الفتح» در شرح اسراء و معراج گفت: «و شکافتن سینه پیامبر صلی الله علیه وسلم هنگام بعثت ثابت شده است همانطور که ابو نعیم این روایت را در کتاب «الدلائل» بیان کرده است»، و نویسندگان سیرت پیامبر صلی الله علیه وسلم نیز این حادثه را بیان کرده اند.

3- قبل از حادثه اسراء و معراج، و حکمتش این بود که با قلب پاکتر و قویتری برای مناجات با خداوند بطور مستقیم آماده گردد، و این حادثه در صحیحین و همچنین کتب احادیث دیگر ثابت شده است.

آثار گناه:

1- یکی از مهمترین آثار گناه، محروم شدن از علم و دانش است؛ علمی که خداوند در قرآن و سنت قرار داده است و مایه سعادت دنیوی و اخروی بشر است؛ انسانهای گناهکار از این علم محروم میشوند. الله عزوجل میفرماید: «... وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ يُعَلِّمَكُمُ اللَّهُ وَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (سوره البقره آیه: 282) «از خدا بترسید و تقوی داشته باشید، خداوند شما را میآموزد.»

امام شافعی رحمه الله میفرماید: «همانا علم، نور خداست و نور خدا به انسانهای گناهکار داده نمی شود.»

2- گناه و معاصی عقل انسان را فاسد و خراب میکند و قوه ادراک و خوب فکر کردن را از انسان میگیرد و انسان را در هر امری به چالش میکشاند. از بعضی از سلف صالح (رحمهم الله) نقل شده است که میفرماید: «هر کس معصیت خدا کند، عقل او ضایع می شود و گناه، نور عقل را از بین می برد و ضعف و سستی جای آن را میگیرد.»

سوره الشراح

3- گناه و معصیت، قلب را ضعیف و تاریک میکند و آن را به خرابیهای تبدیل میکند که هیچ اراده و تصمیم خوبی از آن تراوش نمیکند. با اصرار بر گناه و انباشته شدن آن، خداوند قلب گنهکار را مهر میکند؛ به همین دلیل، قلب انسان، کور و صاحب آن در زمره غافلان محشور میشود. آتش جهنم اول قلبها را مورد حمله قرار میدهد و آن را با بدترین شعلهای خود می سوزاند.

4- گناه، انسان را ذلیل و خوار می کند و عزّت و سربلندی را از او می گیرد .
قال الله تعالى: « مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَكْرُ أُولَئِكَ هُوَ يَبُورُ » (سوره فاطر « آیه 10) اگر کسی عزت و سر بلندی میخواهد، همانا تمامی عزّت از آن الله است.»

5- یکی از اثرات بد گناه، از بین رفتن «حیاء» است. حیاء که مایه زنده بودن قلب و اصل همه خوبیها و خیرهاست، بر اثر تکرار گناه و اصرار بر آن، از بین میرود. رسول اکرم صلی الله علیه و سلم می فرماید: « الْحَيَاءُ خَيْرٌ كُلُّهُ » صحیح مسلم حیاء همه اش خیر است.

6- گناه باعث از بین رفتن رزق و روزی و نعمتهای خدا بر بندگان میشود و سبب می شود که برکت از رزق و روزی و عمر و علم و عمل انسان گرفته میشود.
قال الله تعالى: « وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ » (سوره الأعراف : 96) «اگر مردمان این شهر ها و آبادیها به خدا وانبیاء ایمان میآوردند و از کفر و معاصی پرهیز میکردند؛ درگاه خیرات و برکات آسمان و زمین را بر روی آنها میگشودیم.»

رسول اکرم میفرماید: « إِنَّ الرَّجُلَ لَيُحْرَمُ الرَّزْقَ بِالذَّنْبِ الَّذِي يُصِيبُهُ » ابن حبان- حسن «همانا شخص به وسیلهی گناهی که انجام میدهد از رزق و روزی محروم میشود.»

7- گناه سبب میشود که شیاطین و جنّها به انسان نزدیک و بر او مسلط شوند و او را مورد آزار و اذیت قرار دهند و روزبهروز بسوی فساد و هلاکت بکشانند .

8- گناه سبب نافرمانی و گستاخی خانواده و فرزندان بر فرد میشود. تا جایی که فرزندش- فرزند دلبد و جگرگوشه‌اش که او را با خوندل بزرگ کرده- بر او جرأت پیدا میکند و او را مورد آزار و اذیت و نافرمانی قرار میدهد. اما اطاعت و بندگی خدا، انسان را در مقابل همه این مصائب حفظ میکند و فرزند را عصای دستش و نور چشمش قرار میدهد.

9- اما بدترین اثر گناه: همانطور که انسان خدا را فراموش میکند، خداوند نیز او را فراموش میکند. خداوند برای چنین شخصی دو عقوبت قرار داده‌است. به این آیات توجه کنید:

الف: وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنسَاهُمْ أَنفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (سوره الحشر

19:) (مانندکسانی نباشید که خدا را از یاد برده‌اند، پس خدا هم خودشان را از یاد خودشان برد مصالح و اسباب سعادت خود را همچنین و خوبی را از بدی تشخیص نمی دهند- آنان همانا بدکارانند»

ب- قال تعالى: ... نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ « (سوره التوبه آیه 67)

سوره الشراح

(خداوند را فراموش کرده اند و خدا هم ایشان را فراموش کرده است.) خداوند آنها را در دنیا و آخرت فراموش میکند و آنها را از لطف و رحمت خود محروم میکند.

10- گناه باعث می شود که فرشتگان خدا از انسان دور شوند. فرشتگان خدا در همه حالات همراه انسان هستند و مایه نزول رحمت و مغفرت و برکت خدا بر انسان هستند. زمانی که انسان معصیت و نافرمانی الله عزوجل میکند، فرشتگان از انسان دور میگردند و انسان از این لطف خداوند محروم میشود.

11- یکی از عواقب گناه فساد و خرابی در آب و هوا و زراعت و میوه ها میباشد. الله تبارک و تعالی میفرماید: **ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ** (سوره الروم: 41) (تباهی و خرابی در دریا و خشکی به خاطر کارهایی پدیدار گشته است که مردمان انجام میدادند. بدینوسیله خدا سزای برخی از کارهایی را که انسانها انجام میدهند، بدیشان میچشاند تا اینکه آنها برگردند).

12- گناه، انسانها را به وسیله سیل و زلزله، رانش زمین و طوفان و صاعقه و انفجار هلاک میکند و از بین می برد.

از ام المومنین زینب بنت جحش روایت شده که میفرماید: «يَا رَسُولَ اللَّهِ أَتَهْلِكُ وَفِينَا الصَّالِحُونَ؟ قَالَ: نَعَمْ إِذَا كَثُرَ الْخَبَثُ» متفق علیه «ای رسول الله آیا در حالیکه انسانهای صالح در بین ما هستند، دچار هلاکت میشویم؟ فرمود: بله، هرگاه فسق و فجور زیاد شود. از سهل بن سعد روایت شده است پیامبر خدا -صلی الله علیه وسلم- فرمود: «سیکون فی آخر الزمان خسف، وقذف ومسح» قیل: ومتی ذلک یا رسول الله؟ قال: «إذا ظهرت المعازف والقینات». «در آخر الزمان زبونی و خواری، دشنام و ناسزا و زشتی و بد شکلی ظاهر میشود سؤال شد چه وقت ای پیامبر خدا؟ فرمودند «وقتی که آلات موسیقی و زنان خواننده ظاهر شوند». صحیح جامع الصغیر.

صدق الله العظيم و صدق رسوله نبی الکریم.

سوره الشرح

فهرست مطالب :

- معلومات مؤجز
- اسباب نزول
- آشنایی با سوره انشراح
- ترجمه مختصر
- تفسیر مختصر سوره
- مفهوم توصیه به صبر در اسلام
- مفهوم «ان مع العسر يسرا»
- هدف از شق صدر رسول الله
- آثار گناه

منابع و مأخذ های عمده:

- تفسیر و بیان کلمات قرآن کریم (تالیف شیخ حسنین محمد مخلوف و اسباب نزول علامه جلال الدین سیوطی ترجمه از عبد الکریم ارشد فاریابی
- تفسیر انوار القرآن - نوشته: عبدالرؤف مخلص هروی
- فیض الباری شرح صحیح البخاری داکتر عبد الرحیم فیروز هروی
- تفسیر طبری - امام المفسرین
- تفسیر المیزان
- تفسیر پرتوی از قرآن
- تفسیر القرآن الکریم - ابن کثیر (متوفی سال 774 هـ)
- مفردات الفاظ القرآن، از راغب اصفانی
- جلوه های از اسرار قرآن حکمتیار
- تفسیر معارف القرآن مولف حضرت علامه مفتی محمد شفیع عثمانی دیوبندی مترجم مولانا محمد یوسف حسین پور
- تفسیر فی ظلال القرآن، سید قطب (متوفی سال 1387 هـ)
- تفسیر نور تألیف داکتر مصطفی خرم دل
- تفسیر کابلی (تالیف: شیخ محمود الحسن دیوبندی مترجم: هیاتی از علمای افغانستان)
- صحیح مسلم
- صحیح البخاری

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**